

اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

Yahya Hosseinyaei

یحیی حسینیایی^۱

چکیده

جنگ موضوعی گریزناپذیر است. وقتی حیات ملی کشور، جان، مال و ناموس مردم مورد تهدید بیگانگان قرار گیرد، دفاع و دفع تجاوز به هر شیوه ممکن امری ضروری است. مطالعه جنگ‌های شاهنامه نشان می‌دهد که فردوسی به علوم نظامی آشنایی کافی داشته است و به شکل بسیار دقیق صحنه‌ها و وقایع را به تصویر کشیده است. نمونه‌هایی که از اصول و تاکتیک‌های جنگی در شاهنامه ذکر می‌شود، چیزی خارج از اصول جنگ‌های کنونی نیست؛ فقط باید دانست که در هر موقعیتی کدام راهکار استفاده گردد. حال ممکن است از یک تاکتیک و یا از تلفیقی از آنها استفاده کرد؛ برای مثال در اصل تأمین به ارسال طلایه‌دار، گماردن دیدبان و حفظ گفتار و در اصل غافلگیری به شبیخون، کمین، تظاهر کردن، پنهان‌کاری و آیین دروغین اشاره می‌کنیم. تفکر جامع و اندیشه سیال یک فرمانده، قدرت او را در برابر مشکلات و در موقعیت‌های پیش رو افزایش می‌دهد. بروز شرایط خاص باعث می‌گردد که فرمانده برای تصمیم‌گیری و مقابله در برابر دشمن از روش‌های غیرمتعارف و غیرمستقیم استفاده نماید. در این تحقیق که به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، ابتدا اهداف، اهمیت و ضرورت پژوهش بیان گردیده است و پس از تشریح مسئله و بررسی تعدادی از تاکتیک‌های جنگی شاهنامه در قالب اصول جنگ‌های امروزی، یک جمع‌بندی کلی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: اصول جنگ، تفکر نظامی، تصمیم‌گیری، هنر رزم.



۱- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه امام علی (ع)



Principles of War from Ferdowsi's Perspective and Its Role in Commander's Decision-Making

Yahya Hosseinyaei¹

Abstract

War is a necessary phenomenon. When sovereignty, life, property or dignity of people is threatened by foreigners, defense against such an invasion becomes unavoidable. Study of Ferdowsi's Shahnameh proves his good command of military skill such that he could accurately depict war scenes and events. Examples of the principles reported in Shahnameh are not different from the current principles of war, but what makes the difference is just the situation in that either one tactic or a mixture of some might be employed. For example, regarding the principle of security, dispatching messenger, appointing observer, and intelligence and as to the principle of surprise issues like concealment, ambush, pretend, cloaking, and false attack are noticeable. Comprehensive thought and floating vision of a commander augment his resistance against troubles and looming situations. Emergence of unexpected circumstances makes him resort to unconventional and indirect approaches to decision-making and defense. As a descriptive analytic attempt, this study first elaborates its purposes and significance, and then certain war tactics mentioned in Shahnameh are compared with the current principles of war. Finally, the study offers a conclusion.

Keywords: Principle of War- Military Thought- Decision-making- Art of Combat





مقدمه

جنگ از قدیمی‌ترین پدیده‌های دنیاست و عنصر اصلی مصاف، خود انسان است (سون جی، ۱۳۸۷: ۹). جنگ موضوعی گریزناپذیر است و از آغاز تاریخ با جنگ هابیل و قابیل آغاز گشته و تاکنون ادامه دارد. در قرآن کریم قریب به ۳۰۰ آیه به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره قتال و جهاد در راه خدا نازل شده است که دلیل بر اهمیت آن است.

نگاهی به حماسه‌های ملی، ما را با بسیاری از اصول و تاکتیک‌های رزم آشنا می‌سازد. یکی از این حماسه‌های ماندگار و در خور توجه «شاهنامه فردوسی» است. او در اثر جاودانه‌اش به شکلی بسیار دقیق صحنه‌های رزم را به تصویر می‌کشد، به گونه‌ای که خواننده را همراه خود به صحنه نبرد می‌کشانند. دکتر رستگار در کتاب تصویرآفرینی در شاهنامه می‌نویسد: «فردوسی برداشتی عمیق از تاریخ دارد. او همیشه تشکیل قدرت، دوام و زوال آنها، ریشه جنگ‌ها، آستی‌ها و نتایج آنها را به نحوی بسیار منطقی ارزیابی می‌کند» (رستگار فسایی، ۱۳۶۹: ۶۱).

نکته دیگر اینکه جنگ و مبارزه پهلوانان در شاهنامه سطحی و غیرمنطقی نیست؛ یعنی باید تمام شرایط و زمینه‌ها برای وقوع جنگ فراهم باشد و چنانچه گفتگو و رایزنی به نتیجه نرسید در نهایت جنگ رخ می‌دهد. با توجه به گستردگی موضوع و نمونه‌ها در شاهنامه فردوسی، تنها از بخش پهلوانی شاهنامه بهره گرفته‌ایم و در بیان مثال‌ها نیز به ذکر یک یا دو نمونه اکتفا می‌کنیم؛ همچنین در این مقاله از نظریه‌های سن‌تزو و سون‌جو در کتاب «هنر رزم» بهره گرفته‌ایم.

با کمی دقت در محتوای اصول جنگ می‌توان فهمید که شگردها و فنون رزمی به کار رفته در شاهنامه، چیزی جدا از آنها نیست ولی در شاهنامه به زبانی دیگر و ملموس‌تر به تصویر کشیده شده است.





بیان مسئله

فرماندهان نظامی در سطح‌های مختلف دوره‌های لازم را طی نموده‌اند و در رده‌های عالی و راهبردی به خوبی قادرند نیروهای خود را هدایت و رهبری کنند. قبل از اینکه جنگی صورت گیرد و یا در میدان نبرد، یک سری عوامل گوناگون در شرایط خاص و موقعیت‌های متفاوت رخ می‌دهد که نتیجه جنگ را رقم می‌زند. حال چنانچه فرمانده قبل از تصمیم‌گیری و صدور دستور با برخی اصول و شگردهای غیرمستقیم آشنایی داشته باشد، آیا می‌تواند پیروز از میدان نبرد خارج شود و یا در نتیجه نبرد نقش مؤثری ایفا کند؟

پرسش‌های پژوهش

- ۱- آیا امروزه می‌توان از شگردها و تاکتیک‌های نبرد در شاهنامه استفاده کرد؟
- ۲- آیا بیان و فراگیری این اصول در نگرش و شیوه تصمیم‌گیری فرماندهان مؤثر است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

شیوه رزم در هر فرهنگی نمایانگر نوع نگرش آن مردم به دشواری‌ها است. هنر رزم برای کشور اهمیت حیاتی دارد. مسئله مرگ و زندگی است. راهی است بر وادی ایمن یا نابودی. پس در هیچ شرایطی نباید آن را نادیده گرفت (سون جو، ۱۳۸۷: ۲۱).

هر چه فرد در سلسله مراتب سازمانی بالاتر رود، داشتن توان اخذ تصمیم‌های برنامه‌ریزی نشده اهمیت بیشتری می‌یابد (رضائیان ۱۳۷۹: ۵۹). به طور قطع فرماندهی که درک صحیح و دقیقی از فواید این‌گونه اصول و فنون داشته باشد، بر اداره نیروهایش تسلط بیشتری دارد. عکس این قضیه نیز صدق می‌کند؛ در واقع شیوه مدیریت و رهبری اوست که نتیجه جنگ را رقم می‌زند.

این تحقیق علاوه بر آنکه ما را با شاهکار حماسی و کهن سرزمینمان آشنا می‌سازد، فنون و شیوه‌های جنگیدن را می‌آموزد؛ همچنین متوجه می‌شویم که گذشتگان ما درباره مسایل گوناگون چگونه می‌اندیشیدند و چه تصمیم‌هایی می‌گرفتند.





اهداف پژوهش

- ۱- معرفی برخی از اصول جنگ و جنگاوری از دیدگاه شاهنامه فردوسی.
- ۲- آشنایی رهبران و فرماندهان ارشد نظامی نسبت به نگرش و تفکر جامع فردوسی در خصوص شیوه‌های جنگیدن.
- ۳- تفهیم این موضوع که آشنایی و دانستن این اصول فرماندهان را یاری می‌کند تا در شرایط و موقعیت‌های گوناگون بهترین تصمیم را بگیرند و یا از تاکتیک مناسبی استفاده نمایند.
- ۴- بیان این نکته اساسی که پیروزی از طریق تجزیه و تحلیل راه‌های مختلف و محاسبات متعدد حاصل می‌شود.

بیان فرضیه

- ۱- از فنون و تاکتیک‌های رزمی به کار رفته در شاهنامه می‌توان در شرایط و موقعیت‌های خاص بهره گرفت.
- ۲- فرماندهان در شرایط حساس جنگی، زمانی می‌توانند سریع و درست تصمیم بگیرند که تاکتیک‌ها و راهکارهای مختلفی را در ذهنشان محاسبه کنند و در تعامل با وضعیت‌های گوناگون تمام جوانب را در نظر داشته باشند.

مبانی نظری پژوهش

جنگ: در معنی تحت اللفظی؛ یعنی جنگیدن و مترادف با واژه‌های نبرد، حرب، پیکار، زد و خورد، جدال، نزاع، مبارزه، رزم، قتال، و کارزار است (رستمی، ۱۳۸۱: ۳۲۸). جنگ از جنبه‌های مختلفی تقسیم‌بندی گردیده است؛ ولی آنچه در این مقاله مورد نظر است دو نوع جنگ اعلان شده و جنگ غافلگیرکننده (مبتنی بر فریب) است.

اصول جنگ: سون جو در کتابش با عنوان «هنر رزم» برای پیروزی در جنگ ۵ اصل را بیان می‌کند: ۱- کسی پیروز است که بداند چه زمانی بجنگد و چه زمانی نجنگد؛ ۲- کسی پیروز است که بداند چگونه مدیریت کند، چه بر نیروی مافوق و چه بر مادون؛ ۳- کسی پیروز



است که سپاهیان در تمام مناصب و درجات روحیه یکسانی داشته باشند؛ ۴- کسی پیروز است که خود آماده برای مقابله با دشمن ناآماده باشد؛ ۵- کسی پیروز است که ظرفیت نظامی دارد (سون جو، ۱۳۸۷: ۳۲). در کتاب دانش نظامی اصول نه گانه جنگ به شرح زیر بیان شده است: اصل هدف، آفتد، سادگی، وحدت فرماندهی، تمرکز، تأمین، مانور، صرفه جویی در قوا و غافلگیری (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۴).

هنر رزم: در هنر رمزهایی وجود دارد و هر هنرمند به ناچار مجموعه‌ای رمز را در کار خود نهفته دارد (صیاد کومی و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۷)؛ حال چنانچه این راز و رمزها را در جنگ، مجموعه شگردها و تاکتیک‌های غیرمستقیم بدانیم، می‌توان آن‌را «هنر رزم» نامید؛ هنری که فرماندهان از آن در صحنه نبرد استفاده می‌کنند.

اندیشه نظامی: ناپلئون درباره اندیشه یا تفکر نظامی چنین می‌گوید: «تفکر نظامی شامل انجام محاسبه‌های دقیق عوامل مختلف در درجه اول و سپس در نظر گرفتن اتفاقات غیرمنتظره در این محاسبات است» (چندلر، ۱۳۷۰: ۱۷۷).

کاربرد اصول و تاکتیک‌های جنگی در صحنه‌ها و موقعیت‌های مختلف به میزان تفکر و تمرکز هر شخص بستگی دارد. برای یک فرمانده کافی نیست که تنها قادر به تصمیم‌گیری باشد؛ بلکه او باید سریع تصمیم‌گیری کند تا ابتکار عمل را به دست آورد و دشمن را در مقابل طرح‌هایش وادار به عکس‌العمل نماید. اندیشیدن از قبل عادت است که فرمانده باید آن را پرورش دهد تا جزو طبیعت ثانویه‌اش گردد (رستمی، ۱۳۸۵: ۳۲).

تصمیم‌گیری: فرآیندی که از طریق آن، راه حل مسئله معینی انتخاب می‌گردد (رضائیان، ۱۳۷۹: ۵۷). در نوشته‌ها و آموزش‌های پیرامون تصمیم‌گیری، عموماً تمرکز بر لحظه تصمیم‌گیری است (همان، ۵۳). تصمیم‌گیری مورد نظر ما در این مقاله، از نوع تصمیم‌های برنامه‌ریزی نشده، در موقعیت مخاطره است؛ یعنی وضعیتی که احتمال هر گونه نتیجه ممکن است و قابل پیش‌بینی نیست. در ادامه به برخی از این اصول و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری اشاره می‌شود:





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

اصل غافلگیری (شبیخون، کمین، تظاهر کردن، آیین دروغین، پنهان‌کاری)

یکی از اصول مبتنی بر فریب در شاهنامه «اصل غافلگیری» است. مطمئناً کسانی که دشمن را به خاطر دغل‌بازی و فریبکاری سرزنش می‌کنند، هرگاه از این جنگ‌افزار بتوانند در خدمت تأمین خواسته استفاده کنند، در بهره‌برداری از آن درنگ نمی‌کنند (کلیتون، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

آشنایی با فریبکاری برای ادامه حیات قهرمان، از ضرورتی حیاتی برخوردار است و آنجا که تمامی جنگ‌افزارهای آدمی از کار می‌افتد، فریب و نیرنگ واپسین سلاحی است که می‌توان بر آن اعتماد کرد و امید بست (همان: ۱۷۲). پهلوانان و جنگجویان شاهنامه در زمانی از نیرنگ و فریب استفاده می‌کنند که خود را برای مقابله مستقیم آماده نمی‌بینند. البته کاربرد این حربه همواره دارای بار معنایی منفی نیست.

آن کسی که هر دو نوع حمله مستقیم و غیرمستقیم را می‌داند، پیروز خواهد بود و این هنر در عملیات جنگی نیز صادق است (سن‌نزو، ۱۳۸۳: ۱۰۰). بنابراین در جنگ‌های غیرمعارف باید از تاکتیک‌های غیرمستقیم و در ادامه از تصمیمی برنامه‌ریزی نشده استفاده کرد؛ از ویژگی‌های این‌گونه تاکتیک‌ها می‌توان به سیال بودن، انعطاف‌پذیری، سادگی، تحرک بالا، پویایی و خلاقیت فرمانده اشاره کرد.

اساسی‌ترین اصل جنگ «غافلگیری» است. در کتاب دانش نظامی عمومی غافلگیری این‌گونه تعریف شده است: «وارد آوردن ضربه لازم به دشمن در محل و زمان لازم به ترتیبی که دشمن خود را برای مقابله آماده نکرده باشد» (فرقانی، ۱۳۸۱: ۲۸).

در هیچ وقت دشمن خود را خرد، ضعیف و سست ندانی و او را افزون‌تر از آنکه هست شماری و چنان پنداری که از او بزرگ‌تر، قوی‌تر و مردانه‌تر هیچ کس نیست و چون تو دشمن را بزرگ داری تو را از آن هیچ زیان نرسد (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۷۳).

شبیخون: بدان که دو گروه مردم باید به دشمن شبیخون زنند؛ یک گروه مردمان دانا به کارزار و آزموده و یک گروه مردمان خردمند، هوشیار و فرمانبردار. شبیخون به شب باید





برد؛ وقت نیمه شب تا وقت سحرگاه. آنگاه یک گروه به حرب مشغول می‌شوند و گروه دیگر به نگاه‌داشت راه‌ها، تا هر چه از لشکر دشمن بیرون آید بگیرند (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۲۵).

امروزه یکی از آموزش‌های سربازان در یگان‌های رزمی «رزم شبانه» است که با اهدافی چون آشنایی با وضعیت شب، اصول دید در شب، طریقه گشت‌زنی و شناسایی موقعیت‌ها صورت می‌گیرد.

گفته شده که پرواز ناگهانی پرندگان و بلند شدن دسته جمعی آنان از زمین، بیانگر شبیخون یا حرکت دشمن از آن نقطه است (سون‌جو، ۱۳۸۷: ۶۲).

نکته‌هایی که از شبیخون در جنگ‌های شاهنامه می‌توان استنباط کرد:

۱- گروهی که برای این مأموریت انتخاب می‌شوند باید از بین سواران و شمشیرزنان ماهر و برگزیده باشند؛

۲- در حین حرکت سکوت و خاموشی مطلق برقرار باشد؛

۳- سپاهیان از هیچ‌گونه روشنایی استفاده نکنند؛

۴- ترس از تاریکی را باید از دل و جان خود دور سازند.

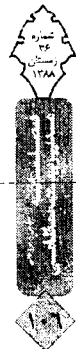
رستم در نبرد با دیوهای کوه سپند از این تاکتیک استفاده می‌نماید و در یک عملیات غافلگیرانه دژ سپند را تصرف می‌کند:

چو شب تیره شد رستم تیز چنگ
سوی مهتر باره آورد روی

برآراست با نامداران جنگ
پس او دلسیران پرخاش جوی
(شاهنامه، ج ۱، ص ۲۲۲، ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹)

در ادامه نبردهای ایرانیان و تورانیان، وقتی که افراسیاب از لشکرکشی سپاه توس آگاه می‌شود، قصد شبیخون می‌نماید و به سمت خیمه‌های لشکر ایران یورش می‌آورد:

ز خیمه بیامد سوی کارزار
برآشفتم بر خویشتم چون پلنگ
ز مستی بیفتاد جنگی سوار
ز مستی و کار خود آمدش ننگ
(شاهنامه، ج ۲، ص ۶۵۳، ۱۱۹۲-۱۱۹۴)





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

کمین: یکی از موارد غافلگیری کمین است. دانش پژوه در کتاب «آداب الحراب و الشجاعه» می‌آورد: بدان که بزرگ‌ترین کارهای جنگ کمین است؛ زیرا جنگ بر دو نوع است یکی آشکار و رو در روی و نوعی پنهان و آن کمین کردن است. پس اگر کمین بر شما بود خویشتن را نگه باید داشت و بیدار و هوشیار بود و به هیچ‌وجه غافل نشاید گشت (دانش‌پژوه، ۱۳۸۱: ۲۷).

در داستان فرود، ریونیز و زرسپ بر دست او از پای در می‌آید. به دنبال او بیژن به جنگ می‌پردازد و در نبرد تن به تن فرود به داخل دژ عقب‌نشینی می‌کند. بیژن و رهام با استفاده از این تاکتیک فرود را غافلگیر می‌نمایند و در نهایت او به دست رهام کشته می‌شود.

چو رهام بیژن کمین ساختند	فراز و نشیبش همی ساختند
چو بیژن بدیدند آمد نشیب	سبک شد عنان و گران شد رکیب
فرود جوان ترک بیژن بدید	بزد دست تیغ از میان برکشید

(شاهنامه، ج ۲، ۶۳۸، ۸۷۴، ۸۷۶)

تظاهر کردن: از دیگر تاکتیک‌هایی که در اصل غافلگیری می‌توان به آن اشاره کرد، تاکتیک تظاهر کردن است. سن نزو می‌گوید: تظاهر کنید که در وضعیت حقارت‌آمیزی واقع شده‌اید و دشمن را تشویق به تکبر و خودخواهی کنید. تمام جنگ‌ها متکی بر حيله‌اند؛ پس آنگاه که قادر به حمله‌اید باید خود را عاجز از حمله نشان دهیم؛ زمانی که از نیروهای خود استفاده می‌کنیم باید تظاهر به بی‌کنشی کنیم؛ آنگاه که نزدیکیم، به دشمن بیاورانیم که دوریم. باید دشمن را در این تصور نگاه داریم که نزدیکیم. تظاهر به بی‌نظمی کنیم و دشمن را پای‌مال و خرد کنیم (سن‌نزو، ۱۳۸۳: ۲۳).

او همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «تظاهر به بی‌نظمی لازمه انضباط است؛ تظاهر به هراس لازمه شجاعت است؛ تظاهر به ضعف لازمه قدرت است؛ پنهان کردن نظم در لفاف بی‌نظمی مستلزم سازماندهی منظم است».





در دوره دوم جنگ‌های گشتاسب، جاماسب تورانی گرگسار را برای مقابله به میدان روانه می‌کند. در این نبرد چون گرگسار تیر به سوی او می‌گشاید، اسفندیار خود را از زین واژگون می‌کند چندان که پهلوان تورانی می‌پندارد که کار او ساخته شده است، آنگاه برای جدا کردن سر او به نزدیک او می‌آید. اسفندیار از فرصت استفاده می‌کند و با کمند او را اسیر می‌کند.

چو نزدیک شد و راند اندر کمان
بزد بر بر و سینه پهلوان
به زین اندر آویخت اسفندیار
بدان تا گمانی برد گرگسار

(شاهنامه، ج ۴: ۱۲۳۲)

آیین دروغین: از دیگر این شگردها آیین دروغین است. فرمانده ماهر با اخذ ظاهر فریبنده، دشمن را متحرک نگاه می‌دارد و او را وادار می‌کند بر اساس این ظاهر عمل کند؛ چیزی را قربانی می‌کند تا دشمن به چنگ آورد (سن تزو، ۱۳۸۳: ۳۹).

در جنگ نوذر و افراسیاب سپاهی به سمت زابلستان اعزام می‌شود تا زال را اسیر کرده و سیستان را به تصرف در آورند. وقتی سپاه توران به کناره هیرمند می‌رسد، مهرباب کابلی کسی را به نزد سرداران توران می‌فرستد و قول اطاعت و همکاری از فرمان افراسیاب را می‌دهد؛ از طرفی زال را آگاه می‌کند تا برای جنگ با سپاه تورانی آماده شود و در میان آنها نیرنگ مهرباب کارساز می‌افتد.

یکی مرد دنیا دل پر شتاب
از این سو دل پهلوان را بیست
نوندی بر افکند نزدیک زال
به دستان بگو آنچه دیدی ز کار
فرستم به نزدیک افراسیاب
و زان روی بر چاره یازید دست
که پرنده شو باز کن پر و بال
بگوش که از آمدن سر مخار

(شاهنامه، ج ۱: ۲۴۵)

پنهان‌کاری: نباید آشکار کنیم قصد حمله به چه مکانی داریم؛ بدین ترتیب دشمن را وا می‌داریم برای دفاع در برابر حمله احتمالی به نقاط مختلف آماده شود. پس نیروهایش در جهات مختلف پخش می‌شود (سن تزو، ۱۳۸۳: ۴۳).





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

در جنگ رستم با ساکنان دژ سپند، تهمتن جنگ افزارهای لازم را در بار نمک قرار می‌دهد و وارد دژ می‌شوند و با استفاده از تاریکی شب دشمن را غافلگیر کرده و شکست می‌دهد.

برافراخته پهلوان یال و	به بار نمک در نهران کرد گرز
کسانی که بودند هشیار	ز خویشان تنی چند با خود ببرد
نهران کرد آن نامور	به بار شتر در سلیح گوان

(شاهنامه، ج ۱: ۲۲۱)

شاید نیاز باشد که در یک حمله چند تاکتیک و ترفند به کار گرفته شود؛ همان طور که رستم با تدبیری خاص علاوه بر استفاده از تاریکی شب با گزینش نیرو و پنهان داشتن سلاح، وارد دژ می‌شود و این از ویژگی‌های غیر قابل پیش‌بینی جنگ است.

در جنگ هفت گردان، وقتی افراسیاب از ورود پهلوانان ایران به داخل مرز توران آگاه می‌شود می‌اندیشید که اگر آنان را غافلگیر کنند کار ایرانیان ساخته است، بنابراین با سپاه به قصد جنگ اما ظاهراً به قصد شکار، به سوی پهلوانان ایرانی حرکت می‌کند.

به ناگاه بردن یکی تاختن	بباید کنون چاره‌ای ساختن
جهان را به کاووس تنگ آوریم	اگر این هفت یل را به چنگ آوریم
سپه را به ناگاه بر ایشان زدن	به کردار نخجیر باید شدن

(شاهنامه، ج ۱: ۳۵۰)

استفاده از عوارض طبیعی

البته این مورد از اصول جنگ نیست، ولی چون در زمان و نحوه تصمیم‌گیری نقش مؤثری دارد به آن اشاره می‌شود. حتی المقدور برای جنگیدن به ارتفاعات صعود نکنید. اگر قبل از دشمن به ارتفاعات پرشیب رسیدید، قسمت‌های بلند و آفتاب‌گیر را اشغال کنید و در آنجا منتظر دشمن باشید (سونجو، ۱۳۸۷: ۷۰).





مشکل مضاعفی که یک فرمانده نظامی باید با آن مقابله نماید رابطه بین جنگ و زمین است. چالش اصلی او تسلط بر مکان است. کسب این نوع برتری و امتیاز وقتی مشکل است که یکی از دو طرف زمین را بهتر بشناسد.

بعد از عبور از رودخانه از آن فاصله زیادی بگیرید. وقتی نیروی متخاصم در مسیر پیشروی، قصد دارد از رودخانه بگذرد برای مقابله با آن به سمت میانه جریان آب نروید. بهتر است بگذارید نیمی از لشکر از رودخانه بگذرد و سپس حمله را شروع کنید (همان: ۶۰).

در کتاب دانش نظامی عمومی منظور از شناخت عوارض طبیعی این گونه بیان شده است: سرباز جان خود را حفظ کند؛ با استفاده از آنها به دشمن نزدیک شده او را دستگیر کرده و یا او را بکشد؛ دستورهای فرماندهان را خوب درک کند و دشمن و نقاط مورد نظر را نشان داده و آن چرا که نشان می دهند به خوبی دیده و بفهمد.

- در دوره جنگ های سوم گشتاسب و ارجاسب، پس از آگاهی از کشتار مردم بلخ، با سپاهی به مقابله به کهرم تورانی می آیند و در جنگی که واقع می شود بسیاری از ایرانیان کشته می شوند، در نهایت ایرانیان در شیب کوهی به دام می افتند:

یکی کوه پیش آمدش پرگیا	به او اندرون چشمه آسیا
که بر گرد آن کوه یک راه بود	و ز آن راه گشتاسب آگاه بود
بر آن کوه شد داغ دل با سپاه	ز گردان نشستند چندین به راه

(شاعنامه، ج ۴: ۱۲۲۰)

رستم در واپسین نبرد زندگی خود با اسفندیار رو به رو می شود؛ اسفندیار موفق می شود رستم و اسب وی را تا سر حد مرگ زخمی کند؛ در این لحظه رستم با بالا رفتن از تپه ای و موضع گرفتن در پشت تخته سنگ های بزرگ کوه از شکست و مرگ می گریزد (کلیتون، ۱۳۸۴: ۱۶۱).





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

وقتی اسفندیار در هفت‌خوان به دریا می‌رسد، گرگسار را از بند آزاد می‌کند ولی از کم عمق‌ترین قسمت دریا گذر کند و اسفندیار و سپاهانش از مسیری که او رفته است می‌روند تا به سلامت بدان طرف دریا خود را رسانند.

کسب اخبار و اطلاعات

یکی از مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل پیروزی یا شکست، کسب اطلاعات از وضعیت دشمن و حفظ و نگهداری آن توسط نیروهای خودی است.

گفته‌اند که سر همه تدبیرهای جنگ آن است که دشمن از تدبیرهای تو در هیچ حال آگاه نشود و جهد کنند تا تو از تدبیرها و اندیشه‌های او آگاه نباشی و جاسوسان و صاحب‌خبران بسیار داشته باشی تا همه چیز را بر تو روشن کند (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۷۳).

سون‌جو در کتاب هنر رزم می‌گوید: «تنها فرمانده روشن‌بین و سردار خردمند است که از هوشمندترین افراد سپاه برای جاسوسی استفاده می‌کند و به همین دلیل به نتایج مطلوب دست می‌یابد. جاسوسان مهمترین عنصر جنگند؛ چرا که قابلیت حرکت سپاه به آنها بستگی دارد (سون‌جو، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

به طور حتم کسب اطلاعات دقیق است که شناخت نقاط ضعف و قوت دشمن را میسر می‌سازد و می‌توان از آن به نفع نیروهای خودی سود برد؛ یعنی اگر نسبت به نیروهای خودی اطلاعات کافی داشته باشیم ولی از وضعیت دشمن غافل باشیم، ضربه سنگینی را متحمل خواهیم شد.

رستم در خوان هفتم، برای جنگ با دیو سپید به راهنمایی اولاد متوسل می‌شود و یک سری اطلاعات از آن کسب می‌کند و به همین طریق دیو سپید را شکست می‌دهد:

همه بر ره راستی دیدمت
مرا راه بنمای و بگشای راز
شود گرم دیو اندر آید به خواب

به اولاد گفت آنچه پرسیدمت
کنون چون ره رفتن آمد فراز
به او گفت اولاد چون آفتاب

(شاهنامه، ج ۲: ۳۰۵)





سهراب، دژبان دژ سپید را به اسارت در آورد و او را رهنمون خویش در شناخت پهلوانان ایران قرار می‌دهد اما گیو که در جستجوی کیخسرو وارد توران زمین می‌شود به شخصی بر می‌خورد و سعی می‌کند اطلاعاتی از او کسب کند ولی چیزی دستگیرش نمی‌شود، او را می‌کشد تا اثری بر جای نماند. سپس فرد دیگری را رهنمون خود می‌سازد و به او وعده پاداش می‌دهد ولی چون او نیز حاضر به همکاری نمی‌شود، او را نیز می‌کشد که مبادا حضور او به اطلاع تورانیان برسد.

چو گفتمی ندارم ز شاه آگهی
تنش را ز جان زود کردی تهی
ز خم کمندش بسیاویختی
ز دور از برش خاک بر ریختی
(شاهنامه، ج ۲: ۵۶۵)

عدم شتاب در آغاز جنگ

باید خویشتن‌داری کرد که نگاه داشتن خویشتن بهتر از جنگ کردن و خویشتن نگه داشتن در جنگ بهتر از همه چیز است و مگر تدبیری شود که آن تدبیر از جنگ کردن بهتر باشد یا آسان‌تر شود جنگ با آن تدبیر (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۴۴).

هر چند درباره شتاب احمقانه در جنگ شنیده‌ایم اما تأخیرهای طولانی را نیز هرگز زیرکانه ندانسته‌اند (سون جو، ۱۳۸۷: ۲۶). به همان اندازه که شتاب و عجله در آغاز جنگ ناپسند است، تأخیر بیش از حد نیز ابتکار عمل را به دست دشمن می‌دهد.

نمونه‌های فراوانی در شاهنامه وجود دارد که تنها به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم: پیش از آغاز جنگ بیژن و پلاشان، گیو او را از شتاب‌زدگی بر حذر می‌دارد:

به بیژن چنین گفت گیو دلیر
که مشتاب در جنگ آن نره شیر
نباید که با او بتابی به جنگ
کنی روز بر من بدین رزم تنگ
(شاهنامه، ج ۲: ۶۴۳)

همی رفت با رای و هوش درنگ
که تیزی پشیمانی آرد به جنگ
(شاهنامه، ج ۴: ۱۰۰۸)





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در چگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

اصل تأمین: (ارسال طلایه‌دار، گماردن دیدبان، حفظ گفتار)

در اتخاذ مواضع تاکتیکی، عالی‌ترین نتیجه، سری نگاه داشتن آنهاست. گرایش‌های خود را کاملاً محرمانه نگاه دارید تا از کاوش‌های جاسوسان و دسیسه‌های خردمندترین مغزها در امان بمانید (سون جو، ۱۳۸۷: ۴۴).

این مورد از شگردهای پرکاربرد شاهنامه است و هدف از آن: جلوگیری از غافلگیری، کسب اطلاعات و اخبار دقیق از وضعیت دشمن و به‌دست گرفتن ابتکار عمل است.

بدان که طلیعه، دیدبان لشکر باشد و آن را طلایه خوانند و طلایه چون بیرون رود باید که اسبان آزموده و گرم‌رو و تیزتک و نیک سم داشته باشد اما طلایه در رفتن باید پراکنده روند؛ گاه بر بلند می‌بایست رفت و گاه سواره و گاه پیاده و چون دشمن پیدا آید باید یکدیگر را آگاه کنند و آهسته و نرم بروند (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۲۳).

نکاتی درباره اصل تأمین در شاهنامه

طلایه‌داران باید از بین افراد باهوش و چابک استفاده شوند، زیرا بارها اتفاق افتاده که به خاطر بی‌خردی و یا سر و صدای طلایه‌دار، لشکریان شکست خورده‌اند. طلایه‌داران پس از کسب اطلاعات نباید یکباره فرار کنند بلکه باید آهسته برگردند یا چند نفر را برای ارسال اخبار بفرستند، اگر اتفاقی برای بقیه افتاد اخبار و اطلاعات رسیده باشدو برای یاری بقیه اقدام گردد.

پس از جنگ رستم با ژنده رزم و در هنگام برگشت سپاه ایران، گيو پهلوان بزرگ ایرانی پاسداری از سپاه را برای برقراری امنیت عهده‌دار است:

از ایران سپه گيو بد پاسدار
بزد دست و تیغ از نیام برکشید
به شب گيو آید طلایه به راه

(شاهنامه، ج ۲: ۳۸۸)

چو برگشت رستم بر شهریار
به ره بر گوی پیلتن را برید
بدانست رستم کز ایران سپاه





قبل از جنگ افراسیاب با سپاه سیاوش، طلایه‌دار ایران اوضاع را به اطلاع سیاوش می‌رساند:

شب آتش چو خورشید گیتی فروز اگر دیدبان دود بپسند به روز
نه آن چاره هم‌نبرد من است چنان دان که آن کارکرد من است
(شاهنامه، ج ۴: ۱۲۵۴)

نتیجه‌گیری

همواره می‌توان از گذشته (تاریخ) به عنوان چراغی در مسیر آینده استفاده کرد. تاریخ سراسر تجربه و پند است. تاریخ جنگ، پندها و تجربه‌های زیادی را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد؛ چه این تاریخ مربوط به جنگ‌های اخیر و یا مربوط به دوره‌های باستانی باشد. بدون شک فرماندهان نظامی، با اصول جنگ امروزی آشنایی دارند و ما در این مقاله برخی از اصول جنگ را از نگاه فردوسی مطالعه کردیم.

از مهمترین نکاتی که فرماندهان می‌توانند از زبان استاد توس به‌رمند شوند، تفکر و نگرش جامع اوست. دیدگاه و نگرش او گاه به حد یک مبارز و پهلوان می‌رسد و گاه در شرایط خاص در حد یک سپهسالار و سردار سپاه نمایان می‌شود. این نگرش به فرماندهان یاری می‌کند تا در تقابل با شرایط گوناگون (موقعیت‌های مخاطره‌آمیز) تصمیم‌های مناسب را اتخاذ نمایند و تمام جوانب را قبل از صدور دستور در نظر بگیرند؛ همچنین بتوانند در وضعیت‌های مختلف بهترین و عاقلانه‌ترین راه را انتخاب کنند. این همان چیزی است که ما از آن باعنوان «اندیشه برتر نظامی» یاد می‌کنیم. میزان مسافت، یک طرفه بودن جنگ، ضعف یا قوت دشمن در زمینه‌ای یا جناحی، شرایط زمانی و مکانی، عدم برآورد صحیح از عوامل، جزء شرایط خاص محسوب می‌گردد که نیروها را وادار به جنگ و رویارویی غیرمستقیم می‌کند.





اصول جنگ در تفکر فردوسی و نقش آن در جگونگی تصمیم‌گیری فرماندهان نظامی

شاید این سؤال مطرح شود که آیا با توجه به آموزه‌های دینی و تأکید بر اصل ایثار و جوانمردی در مباحث منش فرماندهی و تربیت نظامی، استفاده از تاکتیک و اصول مبتنی بر نیرنگ صحیح است؟ شرایط جنگ و خونریزی، صحبت مرگ و زندگی است. در شاهنامه برخلاف بسیاری از حماسه‌های کهن، پهلوانان و پادشاهان بدون دلیل و منطق به جنگ نمی‌پردازند؛ قبل از آن رایزنی و گفتگوهای زیادی صورت می‌گیرد اما زمانی که دشمن به هیچ عنوان قصد سازش ندارد و خطر، جان و مال و ناموس کشور را تهدید می‌کند از جنگ گریزی نیست.

از تمامی اصول و تاکتیک‌ها جنگ با توجه به نوع و شرایط رزم می‌توان بهره گرفت؛ همچنین آگاهی از این اصول و ترفندها کمک زیادی به فرماندهان می‌کند ولی مهمتر از آن تدبیر و بالا و نبوغ شخص است که بتواند و بداند که در هر شرایط و موقعیتی باید از کدام تاکتیک استفاده کند و یا شاید نیاز باشد که از ترکیبی از آنها بهره گیرد. در این جنگ، نیروهای انسانی خلاق، انعطاف‌پذیر و دارای قدرت تصمیم‌گیری سریع در مواجهه با دشمن از برتری ویژه‌ای برخوردارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع و مأخذ

- ۱- اسلامی ندوشن، محمدعلی، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳.
- ۲- چندلر، دیوید، نبردهای ناپلئون، ترجمه علی حافظیه، تهران، نشر مترجم، ۱۳۷۰.
- ۳- حسینی، یحیی، رزم و رزم‌آوری در حماسه ملی با تأکید بر دوره پهلوانی شاهنامه، گرشاسپ‌نامه و بهمن‌نامه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان، ۱۳۸۶.
- ۴- دانش‌پژوه، منوچهر، روش دلاوری و جنگ‌آوری (بازنویسی کتاب آداب الحرب و الشجاعة) از مبارک شاه محمد منصور، ۱۳۸۱.
- ۵- رستگار نسایی، منصور، تصویرآفرینی در شاهنامه، دانشگاه شیراز، چاپخانه مرکزی، ۱۳۶۹.
- ۶- رستمی، محمود، اندیشه نظامی چیست؟، فصلنامه ادبی ارتش، شماره دوم، بهار ۱۳۸۵.
- ۷- رستمی، محمود، فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، انتشارات ستاد مشترک، ۱۳۸۱.
- ۸- رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- ۹- سرامی، قدمعلی، از رنگ گل تاریخ خار، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- سن‌تزو، هنر جنگ‌آوری، ترجمه علی کردستی، چاپاول، سازمان فرهنگی فرا، ۱۳۸۳.
- ۱۱- سونجو، هنر رزم، ترجمه نادر سعیدی، نشر کارون، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله، حماسه سرایی در ایران، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۳- صیادکوهی، اکبر و دیگران، سخن شیرین پارسی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۴- فردوسی، ابولقاسم، شاهنامه تصحیح ژول مول، مقدمه محمد امین ریاحی، نشر سخن، ۱۳۷۴.
- ۱۵- فرقانی، جمشید و دیگران، دانش نظامی عمومی، انتشارات معاونت آموزشی نزاجا، ۱۳۸۱.
- ۱۶- کرمی، رضا، ملاحظات اساسی در جنگ ناهم‌تراز، فصلنامه مدیریت دفاعی دانشگاه افسری امام علی^(ع)، شماره ۳۴، ۱۳۸۷.
- ۱۷- کلیتون، جروم. و. مکر و نیرنگ در شاهنامه، ترجمه دکتر عباس امام، مجله علمی پژوهشی دانشگاه یزد، ۱۳۸۴.

